

به مناسبت هفتادمین سال تولد آن ماری شیمل،

محقق و ادیب بزرگ معاصر

# شرقی تر از هر غربی!



■ حداقل ۸۰ کتاب و مقاله تحقیقی با ارزش، حاصل کار شیمل است.

شش هفته مجبور به انجام این کار می شدند. گرچه خانم شیمل از مدت‌ها قبل مصمم بود که عربی و اسلام شناسی تحصیل کند اما او در دورشته شیمی و فیزیک ثبت نام نمود. ولی همزمان در کلاسهای تاریخ هنر اسلامی که توسط ارنست کوهن تدریس می شد شرکت می نمود. او همچنین نزد «والتر بیورکمن» به تحصیل زبان عربی ادامه داد. از آنجا که به دلیل وقوع جنگ، به جای یک ترم [چهارونیم ماهه] فقط سه ماه تدریس می شد، دوره تحصیلی این دانشجویی فوق العاده با استعداد به سرعت سپری شد.

معلم او به وی سفارش کرد که درس علوم طبیعی را رها کند و مطالعاتش را کاملاً در زمینه دروس مورد علاقه اش یعنی دروس اسلامی و عربی متمرکز گرداند. او گفت بهترین کار شروع رساله دکتری است و بعد از گذراندن دوره دکتری و دفاع از رساله، دستیار وی خواهد شد. بدین منظور او درس فارسی و ترکی عثمانی را شروع کرد و در پایان ترم سوم نوشتن رساله اش را آغاز نمود. (با این که در روزهای تعطیل باید در کارخانه کار می کرد). در سال ۱۹۴۱ رساله اش درباره مماليك را با عنوان «خليفة وقاضی در مصر» در اواخر قرون وسطی را (Kalif and Kadi im Spaetmittelalterlichen Aegypten) به راهنمایی ریچارد هارتمن به پایان برد و همین رساله در سال ۱۹۴۳ در لایپزیک به چاپ رسید و در نوامبر آن سال

آن ماری شیمل در ۷ آوریل ۱۹۴۲ (۱۸ فروردین ۱۳۰۱) در شهر ارفورت آلمان متولد شد. از دوران کودکی خانم شیمل به شرق علاقمند بود. اگرچه والدین او مستقیماً موجب این علاقه نبودند. ولی زمینه آن تا اندازه ای از خانواده اش نشأت گرفته است. مادرش از تبار ملوانان بود و پدرش به فلسفه و عرفان علاقه داشت. در مدرسه شروع به آموختن زبان فرانسه و لاتین کرد. در پانزده سالگی تصمیم گرفت زبان عربی را فرا گیرد و معلمش دوست معلم زبان لاتینی اش بود. این معلم خود را محدود به آموزش زبان عربی نمی کرد.

بلکه سعی می نمود شاگرد خود را با فرهنگ عربی و اسلامی نیز آشنا نماید. او بایستی هر هفته سه کتاب درباره تاریخ، ادبیات و تمدن و دین مطالعه می کرد. همه این فعالیتها در کنار دروس مدرسه انجام می شد. با وجود این وی در ۱۶ سالگی موفق به اخذ دیپلم شد. انگلیسی زبان خارجی سوم بود که آن زمان در مدارس درس می دادند. گرچه بیش از یک سال این زبان را فرا نگرفت. اما امروز زبان انگلیسی را مثل زبان آلمانی می داند و به هر دو زبان تألیفات زیادی دارد.

کمی پس از اتمام دوران دوره دبیرستان، جنگ جهانی دوم شروع شد و همه فارغ التحصیلان ملزم به خدمت دولتی شدند. البته بعضی از این امر مستثنی بودند، مثلاً دانشجویان پزشکی و علوم طبیعی، فقط

اشاره:  
خانم آن ماری شیمل که در فروردین ماه امسال با به هفتاد سالگی گذاشته است برای خوانندگان و علاقمندان به ادبیات فارسی چهره ای نا آشنا نیست. تحقیقات، کتب و مقالات متعدد وی در مورد بخشهای مختلفی از ادبیات و عرفان ایران و اسلام همواره مورد توجه و احترام محققین ادب فارسی بوده است. میزان تحقیقات و همچنین نوع و کیفیت کارهای با ارزش خانم شیمل باعث شده است تا از مدت‌ها پیش عده ای از مسؤولین و علاقمندان به فرهنگ و ادبیات کشورمان در اندیشه اهدای دکترای افتخاری ادب فارسی به ایشان باشند. کاری که درخور احترام و مبین سپاسگزاری از تمامی کسانی است که بدون غرض ورزی تحقیقات خود را انجام داده و به توسعه و ارتقای کیفیت تحقیقات فرهنگی و هنری ایران اسلامی خدمت کرده اند.

■ آن ماری شیمیل می‌گوید: «بارها اتفاق افتاده است

که برای تحقیق در موضوعی به کتابی مراجعه کرده و بعد از استفاده متوجه شده‌ام که چندین سال

پیش مقدمه این کتاب را خودم نوشته‌ام!»

امتحان دکتری داد.

تا پایان جنگ در وزارت امور خارجه به عنوان مترجم کار می‌کرد. وقتی که آلمان فوهرر که در جنگ باید تسلیم شود، وزارت امور خارجه با تمام پرونده‌های محرمانه اولاً به شهر هاله انتقال یافت و سپس به ایالت زاکسن منتقل شد و تمام کارمندان وزارت هم مجبور بودند به آنجا انتقال یابند. وقتی که آمریکاییها زاکسن را اشغال کردند، کارمندان را دستگیر و زندانی کردند. بعداً این زندانیان به «ماربورگ» انتقال یافتند و مدت ۵/۵ ماه در آنجا محبوس بودند.

خوشبختانه خانم شیمیل رساله‌ی درجه‌ی پروفیسوری اش را با خود به ماربورگ برده بود. رساله‌ای که در ماه مارس ۱۹۴۵ به دانشگاه برلین داده شده بود و چندین کتاب هم به همراه خودش برده بود و در دوران زندان خود از آنها استفاده کرد. در ژانویه ۱۹۴۶ امتحان استادی داد. یک هفته بعد اولین سخنرانی استادی خودش را در دانشگاه ارائه کرد.

او در سن ۲۳ سالگی استادیار دانشگاه ماربورگ شد. تا زمان وی فقط یک بانو به اسم لوتیز برتولد (Luise Berthold) در این دانشگاه درس داده بود.

سالهای اقامت او در ماربورگ از مهیج‌ترین دورانهای زندگی فکری و معنوی خانم شیمیل است.

چون او می‌بایست از طرفی در همه‌ی زمینه‌های شرقی و اسلام‌شناسی درس می‌داد. (مثلاً عربی، فارسی، ترکی، هنر اسلامی، تاریخ و ادبیات، شعر و...) و از طرف دیگر در همین زمان پیش معلم محترمش به نام فریدریش هایلر (Friedrich Heiler) درس می‌خواند.

شیمیل در سال ۱۹۴۹ برای اولین بار به خارج از کشور سفر کرد و به سوئد رفت. در دانشگاه آنجا تحقیقات کرد و یک ماه نزد شرق‌شناسان و دین‌شناسان در اویسالا (Uppsala) ماند و در سال ۱۹۵۱ امتحان دوره دکتری

دوّمش را در «تاریخ ادیان» داد و سال ۱۹۵۲ برای اولین بار به ترکیه رفت تا در زمینه‌ی مخطوطات در کتابخانه‌های استانبول تحقیق کند. در این سفر به زیارت آرامگاه حضرت مولانا در قونیه نایل شد. سال ۱۹۵۳ بار دیگر به ترکیه رفت. پیش از این در برلین و ماربورگ با روشنفکران ترک آشنا شده بود.

در این سفر در استانبول و آنکارا و جاهای دیگر با شاعران، صوفی‌ها، دانشمندان و همچنین با مردم عادی خیلی زود پیوند صمیمانه و دوستانه برقرار کرد.

چون در این سفر، سخنرانیهای خود را به زبان ترکی ایراد کرد و در دین‌شناسی نیز تحصیل کرده بود، عشق او به اسلام و ترکیه نیز معلوم شد. لذا پیشنهاد کردند که ریاست کرسی تاریخ ادیان را که دو سال پیش در دانشکده‌ی الهیات آنکارا تاسیس شده بود بر عهده گیرد.

در این دانشکده متکلمین ترک نه تنها در زمینه سنت اسلامی تحصیل می‌کردند، بلکه دانشجویان باید با افکار معاصر غربی نیز آشنا می‌شدند. یعنی هم قرآن و حدیث و اصول فقه و عربی را می‌آموختند و هم

فلسفه‌ی اروپایی و جامعه‌شناسی دینی و تاریخ تطبیقی ادیان را می‌خواندند. وقتی که خانم شیمیل به این دانشکده آمد تقریباً ۴۰۰ دانشجوی دختر و پسر بودند که از دختران هیچکس محجبه نبودند و برای آنها هیچ مسأله‌ای نبود که استادشان خانمی غیرمسلمان باشد (تصور کنید که در یکی از دانشگاههای آلمان کرسی بخش ادیان کاتولیک را به یک خانم مسلمان بدهند!) چون در ترکیه کتابهای درسی در زمینه تاریخ ادیان وجود نداشت. خانم شیمیل این تکلیف را نیز به عهده گرفت. در سال ۱۹۵۵ در آنکارا کتاب مقدماتی تاریخ ادیان چاپ شد.

در این زمان روابط و دوستیهای شخصی بین مردم ترکیه و خانم شیمیل صورت پذیرفت. بر اثر این روابط عشقی صمیمی تر و تفاهمی عمیق تر نسبت به اسلام و مردم جهان اسلام در خانم شیمیل شکوفا شد، به طوری که می‌توان عشق ریشه‌داری را در تمامی کتابها و رساله‌های بعدی او احساس و لمس کرد.

در یک گزارش مؤثر (برادرم اسماعیل - یادآوری خاطراتی از ترکیه) که آن را خانم شیمیل برای نخستین بار در سال ۱۹۹۰ منتشر کرد، سالهای اقامت در ترکیه دوباره زنده می‌شود. این کتاب نگاهی است به ۵۰ سال فرهنگ و معنویت ترکیه. در این کتاب - همچون فهرست مؤلفان یک کتابخانه - نام همه روشنفکران و مؤلفان فرهنگ جدید ترکیه ذکر شده است.

در این وقت عشق دیگری در او ایجاد می‌شود که خانم شیمیل را از آن زمان تا به حال همراهی کرده است. در سال ۱۹۴۰ مقاله‌ای را از نیکلسن خواند که توجه وی را به کتاب «پیام مشرق» محمد اقبال جلب کرد.

اقبال برای خانم شیمیل بدین دلیل جالب می‌نمود که وی مثل خود خانم شیمیل، گوته و مولانا رومی را ارجح بر سایر اشعار و بداهنا افتخار می‌کرد. او شروع به خواندن و پژوهش در سایر نوشته‌های اقبال کرد.

خانم شیمیل چندین مقاله برای مجله (Pakistan Quarterly) نوشت و خواهش کرد که به جای حق التالیف، کتابهای اقبال را به وی بدهند. این کتابها در آلمان و ترکیه نایاب بودند. تا آن زمان خانم شیمیل هم خود را مصروف تحقیق در آن دسته کتابهای اقبال کرده بود که به آقای پروفیسور ماینکه تعلق داشت. و اقبال شخصاً این کتابها را برای او فرستاده بود این کتابها جاویدنامه را به دوزبان آلمانی و ترکی ترجمه کرد و بدین سبب به پاکستان دعوت شد و در این جا به زودی عاشق کشور و مردم پاکستان شد. از آن زمان تاکنون فرهنگ اسلامی هندی مرکز ثقل پژوهشهای خانم شیمیل شده است.

در سال ۱۹۵۹ از ترکیه به شهر ماربورگ برگشت. در سال ۱۹۶۰ کنگره تاریخ ادیان را تدارک دید و با معلمش فریدریش هایلر (Friedrich Heiler) همکاری کرد.

لکن در ماربورگ هیچگاه احساس رضایت و آرامش فکری نکرد. او دریافت که در آنجا وجود او که شهرت جهانی دارد و برای همه قابل احترام است، برای همکاران دانشگاهش چندان خوشایند نیست. در سال ۱۹۶۱ به او پیشنهاد شد که استاد و کارمند دانشگاه «بن» برای تدریس زبان عربی و اسلام‌شناسی شود و ایشان این پیشنهاد را پذیرفت و در سالهای بعد، در آن دانشگاه مشغول تدریس شد. در این سالها روابط خانم شیمیل با پاکستان بیش از پیش صمیمانه شد و تقریباً هر سال به پاکستان سفر می‌کرد و نه فقط در مورد اقبال لاهوری، بلکه درباره ادبیات

سندی و زبانهای دیگر نیز به تفحص پرداخت. در سال ۱۹۶۵ به کنگره تاریخ ادیان دانشگاه کلارمنت کالیفرنیا رفت و در آنجا به وی پیشنهاد کردند که مسئولیت کرسی فرهنگ اسلامی هندی را در دانشگاه

هاروارد بپذیرد. یک هندی تروتمند از ایل پاتان (Pathanē) وصیت کرد که ثروتش بعد از وفاتش به دانشگاه هاروارد برسد تا آثار دو شاعر اسلامی هندی

قرن ۱۸ و ۱۹ به نامهای «غالب» و «میر» به انگلیسی ترجمه شود. از این پول کرسی فرهنگ اسلامی هندی را تأسیس کردند که خانم شیمیل در حال حاضر اولین

استاد این کرسی است. وظیفه خانم شیمیل این بود که ترجمه این آثار را نقد و بررسی کند. در سال ۱۹۶۶ قراردادی به امضاء رسید و در سال ۱۹۶۷ او به تدریس

تصوف، خوشنویسی شعر اسلامی و غیره پرداخت. در همین زمان او درباره اوزان شعر فارسی و ترکی و اردو پژوهشی کرد و همچنین به بررسی زیربنای فرهنگی آن

کشورها پرداخت. چون به نظر او کسی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن پیش‌زمینه‌های فکری و فرهنگی این شعرها را بفهمد.

در سال ۱۹۷۰ به سمت استادی رسید. شرط اولیه او این بود که در سال یک نیمسال تحصیلی درس بدهد و نیمسال دیگر، برای پژوهشها و سفرهای تحقیقاتی او

باقی بماند. بعد از سال ۱۹۵۸، پاکستان مقصد سفرها و مرکز پژوهشهای علمی خانم شیمیل شد و از این رو پاکستان از او تشکر کرد و به وی هدایای فراوان و مدالهای افتخار داد.

در سال ۱۹۶۵ ستاره قائد اعظم، در سال ۱۹۷۵ دکترای افتخاری دانشگاه قائد اعظم در اسلام‌آباد، در سال ۱۹۷۸ دکترای افتخاری دانشگاه پیشاور، و در سال ۱۹۸۴ بالاترین مدال مردمی به نام هلال امتیاز به

ایشان اعطا شد. در سال ۱۹۸۲ خانم شیمیل پیشنهاد کرد که به مناسبت صدونینجاهمین سال وفات گوته یک خیابان در لاهور به اسم گوته نامگذاری شود. نه تنها این پیشنهاد عملی شد، بلکه یکی از قشنگ‌ترین خیابانهای لاهور نیز به نام آن ماری شیمیل اختصاص

یافت. مدالها و نشانهای افتخاری دیگری از جاهای دیگر نیز به ایشان اهدا شد که از آن جمله‌اند:

- در سال ۱۹۶۵ مدال فریدریش روکرت (Friedrich Ruckert) از شهر شوابن فورت.

کتابها نوشته به قدری فراوان است که تا به حال کسی نتوانسته است فهرست کاملی از کارهای وی را جمع‌آوری کند و خود وی هم نمی‌داند تاکنون چند مقاله نوشته است.

در آنجاست. او مایل است در این باره تحقیق و تفحص کند. دیگر این که اگر دوباره «وجد» و «حالی» دست دهد مجموعه اشعاری را که ترجمه کرده، منتشر خواهد کرد.

### فهرست کتابها

- خلیفه و قاضی در مصر در اواخر قرون وسطی (رساله دکتری) لایبزیگ ۱۹۴۳  
- فهرست سه مجلد بدایع الظهور فی وقایع الدهور. چاپ استانبول ۱۹۴۵  
- زبان تصویری جلال الدین رومی. والدورف ۱۹۴۸  
- ترجمه آلمانی از کتاب مؤلف یعقوب قدری نوری‌بابا کورمسیاخ ۱۹۴۸ چاپ دوم با تصحیح ۱۹۸۶ در کلن.  
- ترانه غزلهای آلمانی، هلن ۱۹۴۸  
- ترجمه منتخباتی از مقدمه ابن خلدون، توپینگن ۱۹۵۱

- شعر شرق با همکاری و شوبرینگ و گوندت مونیخ ۱۹۵۲. (چندین چاپ).

- سیره ابن خفیف شیرازی از دو نسخه خطی تحقیق کرده با پیشگفتار ترکی و آلمانی آنکارا ۱۹۵۵  
- مبنای تاریخ ادیان آنکارا ۱۹۵۵.  
- ترجمه به صورت شعر کتاب «جاویدنامه»، اقبال، مونیخ ۱۹۵۷.

- ترجمه ترکی جاویدنامه به صورت نثر، آنکارا - ۱۹۵۸ - چاپ دوم ۱۹۹۰.

- ویرایش و تصحیح ترجمه آلمانی قرآن از ماکس هنینگ، اشتوتگارت ۱۹۶۰. (چاپهای متعدد با اضافات ۱۹۵۱).

- جنبه‌های معنوی اسلام - ۱۹۶۲ - که به زبان ایتالیایی ترجمه شده است.

- ویرایش کتاب شهرهای شرقی که قبلاً فریدریش روگرت با اصطلاحات و معانی دقیق آن را ترجمه کرده بود. برمن ۱۹۶۳.

- بال جبرئیل، پژوهش در افکار دینی محمد اقبال، لیدن ۱۹۶۳، چاپ دوم، لاهور ۱۹۸۹.

- ترجمه شعری کتاب پیام مشرق تالیف اقبال، ویسبادن ۱۹۶۳.

- ترجمه شعری از دیوان جلال الدین رومی، اشتوتگارت ۱۹۶۳.

- پاکستان، کافی با هزار درس زوربخ ۱۹۶۵  
- منتخباتی از کتاب ترجمه شعرهای فارسی، تالیف فریدریش روگرت، پیشگفتار خانم شimmel. ویسبادن ۱۹۶۶.

- مزامیر فارسی، ترجمه منتخبات شعرهای اقبال به زبان آلمانی، کلن ۱۹۶۷.

- هردوشimmel، دستور زبان عربی، هایدلبرگ ۱۹۶۸.  
- الحلاج شهید در عشق الله. نقش زندگینامه، حلاج، ترجمه و پیشگفتار. کلن ۱۹۶۸.

- دل عربان و فکر کننده ترجمه شعرهای جان دون، کلن ۱۹۶۹.

- خوشنویسی اسلامی، لیدن ۱۹۷۰.  
- میرزا اسدالله غالب. موج گل موج شراب. منتخباتی از دیوان فارسی وارد. زوربخ ۱۹۷۱.

شد و از همه این کارها کتابها و مقالات متعددی تهیه و چاپ کرد.

فهرست منتخب کتب ایشان در ذیل سرگذشت نامه خواهد آمد. اما فهرست مقالات، ترجمه‌ها، پیشگفتار و مقدمه‌هایی که بر کتابها نوشته است به قدری فراوان است که تا به حال کسی نتوانسته است فهرست کاملی از کارهای وی را جمع‌آوری کند و جالب این که خود خانم شimmel هم دقیقاً نمی‌داند تاکنون چند مقاله نوشته است. خودش می‌گوید بارها اتفاق افتاده است که برای تحقیق در موضوعی به کتابی مراجعه کرده و بعد از استفاده متوجه شده که چندین سال پیش مقدمه این کتاب را خودش نوشته است!

خانم شimmel هفتادمین سالروز تولدش را در هاروارد گذراند. آنجا برای آخرین بار، کلاس فرهنگ اسلامی - هندی اش را برقرار کرد.

او برای درسهای معارف اسلامی توصیه می‌کند که دانشجویان در دوران تحصیلی خود در این رشته تحصیلی بیشتر به کار عملی بپردازند و صرفاً درس نظری و تئوری نخوانند. مثلاً واحد تاریخ اسلامی باید در موزه‌ها و جشنواره‌ها و درجایهای تاریخی برگزار شود تا برای دانشجویان این مفاهیم ملموس باشد. او می‌خواهد دودرس فرهنگ، بر مطالب هنری و دینی تأکید بیشتری شود و دانشجویان با بلاغت بیشتر «و بهتر» با ممالک اسلامی انس بگیرند. مثلاً می‌گوید مباحثه صورتی از زبان است که باید آن را آموخت. اگر انسان با مردم بحث و گفت‌وگو کند، چه بسیار مطالب که از ایمان و اشاره‌ها و حرکات و سکنات صورت آنها می‌تواند بیاموزد. تصویر شرق فقط صورتی نیست که در کتابها طراحی شده باشد و یا مسائل ارتباطی القاء کنند.

برای آینده هم طرحهای زیادی دارد. اگر مولوی شاعر مورد علاقه اوست (کسی که به قول خودش: دروازه جهانی کاملاً جدید و پایان ناپذیر برای او گشود) شاعران دیگری نیز هستند که خانم شimmel به آنها عشق می‌ورزد و عاشقانه دوستشان دارد. مثلاً منتخباتی از اشعار ناصر خسرو را در دست چاپ دارد. او با این که فکر می‌کند شعر بعضی از شاعران دیگر شاعرانه تر و زیباتر است، اما به نظر وی ناصر خسرو اشعار زیبایی سروده است. ولی متأسفانه در صد سال اخیر در غرب در این مورد تحقیقات اندکی صورت گرفته است. خانم شimmel ناصر خسرو را از طریق پژوهشهایش درباره اقبال، دریافت. اقبال در آخرین فصل کتاب «جاویدنامه» تحت عنوان «جهان مینوی» از ناصر خسرو صحبت می‌کند.

خانم شimmel، خاقانی را هم خیلی دوست دارد و همچنین می‌خواهد درباره فرخی سیستانی نیز پژوهشی را آغاز نماید. در کابل یک کتابخانه آثار خطی خصوصی است که یک نسخه متعلق به عرفی شیرازی

- در سال ۱۹۷۴ مدال طلایی هامر پورکشتال از شهر گرازد اتریش.

- در سال ۱۹۸۰ مدال صلیب نشان درجه یک از جمهوری فدرال آلمان، و در همین سال جایزه یوهان هاینریش فوس (Heinrich Vos) از آکادمی زبان و شعر.

- در سالهای بین ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ به ریاست انجمن بین‌المللی تاریخ ادیان برگزیده شد.

- در سال ۱۹۸۱ عضو آکادمی سلطنتی هلند در ادبیات شد.

- در سال ۱۹۸۵ دکترای افتخاری دانشگاه اوبسالا را دریافت کرد.

- در سال ۱۹۸۷ مدال لوی دلایوید (Levi Della) از دانشگاه کالیفرنیا به جهت سهم عمده‌ای که در پژوهشهای اسلامی داشته است. در همین سال عضو آکادمی آمریکایی علوم شد.

- در ۱۹۸۸ دکتری افتخاری دانشگاه سلجوق در قونیه را دریافت کرد.

- در ۱۹۸۹ نشان صلیب بزرگ آلمان (Der Grosse Bundesverdienstkreuz) یا همان «نشان لیاقت» را گرفت.

- عضو افتخاری Mesa (عضو خاورمیانه در آمریکای شمالی) و DMG (جامعه شرقی آلمان و طلوع خورشید) و عضو افتخاری SIE (جامعه ایران‌شناسان اروپا) شد.

- در ترکیه مدال ایرکیکا IRCICA (مرکز تحقیقات بین‌المللی تاریخ هنر و فرهنگ اسلام) مدال وقف‌شناسان ترکیه و جایزه ترجمه Toemer (مرکز تعلیم زبان ترکی).

از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ یکی از ناشران مجله فرهنگی «فکر و فن» به زبان عربی بود و از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ مولف موضوعات اسلام برای دایرة المعارف عربی ادیان نیویورک شد و تا به حال ناشر سلسله انتشارات (Muslim Spirituality in South Asia) است که مرکز نشر دانشگاه دولتی نیویورک آنها را منتشر می‌کند.

- در ماه می ۱۹۹۲ جایزه لوکاس از دانشگاه توپینگن به وی تعلق گرفت. (این جایزه را یک رومانیایی وقف کسانی کرده است که میان فرهنگهای مختلف ارتباط ایجاد می‌کنند)

دو دهمه قبل این جایزه به دالای لاما (Dali Lama) تعلق گرفته بود.

- در ماه می ۱۹۹۲ در ادینبورگ سخنرانی پژوهشی Gifford ایراد خواهد کرد.

چنانکه قبلاً هم یک سخنرانی پژوهشی (Acis American Council of Learned Societies) و سخنرانی «با متون» در دانشگاه کلمبیای نیویورک ایراد کرده است.

- از سال ۱۹۸۱ به عنوان مشاور موزه متروپولیتن در نیویورک (مشاور خوش‌نویسی و خطاطی) انتخاب

## ■ اقبال لاهوری برای خانم شیمیل

بدین دلیل جالب می نمود که وی مثل خود خانم شیمیل، گوته و مولانا رومی را ارج بیش از حد می نهاد و بدانها افتخار می کرد.

- خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، نیویورک پرس ۱۹۸۲، چاپ دوم ۱۹۸۹، چاپ جیبی ۱۹۹۰.
- ترجمه آلمانی کتاب رابرت اروین، کاپوس عربی، کلن ۱۹۸۵.
- خاطرات یک هموطن مصری، منتخبات کتاب بدایع الظهور، ابن ایاز، توپینگن ۱۹۸۵.
- علاج، ای مردم مرا از خداوند حفظ کنید، منتخبات، ترجمه و پیشگفتار از خانم شیمیل (راز و نیایش)، فرایبورگ ۱۹۸۵.
- دری از رود هند. تحقیقات در فرهنگ سندی، حیدرآباد، سند ۱۹۸۶.
- عشق به معبود یکتا، متونی از سنت عرفانی اسلام هندی، زوریخ ۱۹۸۶.
- این عطاء الله Bedrangnisse sind Teppiche Voller Gnaden، فرایبورگ ۱۹۷۱.
- شرح حال فریدریش روکهارت و آثار، فرایبورگ ۱۹۸۷.
- گلی بگیر و نامش را سرود بگذار، گردآوری، ترجمه های شعرهای شرق اسلامی از عربی به فارسی، ترکی، اردو، سندی، پنجاب و پشتو، کلن ۱۹۸۷.
- ترجمه کتاب فیه مافیه مولوی، مونیخ ۱۹۸۸.
- گردآوری آثار فریدریش روکهارت در دو جلد، فرانکفورت ۱۹۸۸.
- درد و لطیف، تحقیق درباره دو عارف و نویسنده قرن ۱۸ در هند اسلامی، خواجه میردرد و شاه عبداللطیف، لیدن ۱۹۷۶.
- آلبوم شاهنشاه، با همکاری استورت کریولش و دیگران. برای بخشهای خوشنویسی و شعری آلبوم مغول بزرگ، نیویورک، موزه متروپولیتن ۱۹۸۸.
- ترجمه آلمانی کتاب هانری کرین، مرد اشراق، مونیخ ۱۹۸۹.
- لاهور از دیدگاه داخل، لندن ۱۹۸۱.
- اسامی اسلام، ادینبرگ ۱۹۸۹.
- اقبال شاعر و فیلسوف پاکستان، مونیخ ۱۹۸۹.
- ترجمه هلندی ۱۹۹۰ و ترکی ۱۹۹۱.
- انتشار جلد سوم کتاب اسلام از سلسله انتشارات ادیان انسانیت، اشتوتگارت ۱۹۹۰.
- اسلام، مقدمات و مبانی، اشتوتگارت ۱۹۹۰.
- ترجمه انگلیسی ۱۹۹۲ و ترجمه ایتالیایی در دست انجام.
- گردشها با یونس امره، کلن ۱۹۸۹.
- بردارم اسماعیل، خاطرات ترکی، کلن ۱۹۹۰.
- چه چشم دارد و سر ندارد. غربالهای ترکی، کلن ۱۹۹۰.
- ببینید این عشق است. ترجمه شعری به زبان انگلیسی از شعرهای مولانا رومی، بوستون ۱۹۹۱.
- ترجمه آلمانی و ترکی، کلن ۱۹۹۱.
- آقای دمیچی (اشمیت)، کلن ۱۹۹۲.
- رومی: من روزگaram تو آتشی، به زبان انگلیسی، بوستون ۱۹۹۲.
- زری دو رنگ. لغت یا زبان تصویری در شعر فارسی، در دست چاپ، چاپل هیل ۱۹۹۲.

- تحقیق دسته گل مولوی. کار تحقیقی دانشجویان هاروارد. به اهتمام شیمیل، آنکارا ۱۹۷۱.
- ادبیات اسلامی در هند. فصلی از کتاب تاریخ ادبیات هندی به اهتمام یان گوندا. ویسبادن ۱۹۷۳.
- لیوان طلائی، شعر ترکی از یونس امره تا به اورهان ولی. آنکارا ۱۹۷۳. چاپ سوم ۱۹۸۹ و چاپ با اضافات ۱۹۹۲.
- ادبیات سندی در کتابهای تاریخ ادبیات هندی، به اهتمام یان گوندا، ویسبادن ۱۹۷۴.
- ادبیات اردو کلاسیک در تاریخ ادبیات هندی، به اهتمام یان گوندا، ویسبادن ۱۹۷۵.
- ویرایش کتاب یوزف فن هامر پورکشتال، دو رساله در عرفان و جادو. وین ۱۹۷۴.
- پیام مشرق، منتخباتی از نظم و نثر اقبال، زبان فارسی، اردو و انگلیسی در ترجمه آلمانی، توپینگن ۱۹۷۷.
- رومی - من بادم تو آتش. زندگی و آثار عارف بزرگ، کلن ۱۹۷۸ و شش چاپ دیگر.
- شکوه شمس، تحقیقی در آثار جلال الدین رومی، لندن ۱۹۷۸، ترجمه فارسی، تهران ۱۹۸۸.
- رقص آتش، حقیقت در زبان تصویری غالب، دهلی ۱۹۷۹.
- داستانهای پاکستانی، منتخب و ترجمه از زبان سندی، کلن ۱۹۸۰.
- اسلام در شبه قاره هند، لیدن ۱۹۸۰.
- محمد رسول الله، احترام پیغمبر در عبادت مسلمانان، کلن ۱۹۸۱ و چندین چاپ دیگر، ترجمه با اضافات انگلیسی، چاپل هیل ۱۹۸۵.
- سهم آلمانیها در تحقیقات زبان شناسی پاکستانی، هامبورگ ۱۹۸۱.
- نگاه از پشت نقاب، شعر عرفانی در اسلام، نیویورک، چاپ دانشگاه کلمبیا ۱۹۸۲.
- باغهای شناخت، متون عرفان اسلامی، منتخب و ترجمه خانم شیمیل، کلن ۱۹۸۲ و چندین چاپ دیگر.
- اسلام در شبه قاره هندی - پاکستانی، دارمشتات (به زبان آلمانی) ۱۹۸۳.
- مک لی هل، مرکز فرهنگی سند، کراچی ۱۹۸۳.
- جست و جویی بی حد، داستان شاه عبداللطیف، ترجمه از سندی، مونیخ ۱۹۸۳.
- ابعاد عرفانی اسلام، چاپل هیل، ترجمه ترکی ۱۹۷۵ و ترجمه آلمانی کلن ۱۹۸۵.
- ترجمه شعر عربی معاصر، توپینگن ۱۹۷۵.
- گربه شرقی، داستانها، شعرها، گفتارها، سروده ها و عکسها، کلن ۱۹۸۳، چاپ با اضافات ۱۹۸۹، کتاب جیبی ۱۹۹۱.
- رمز اعداد سمبلیسم، اعداد در فرهنگهای مختلف، کلن ۱۹۸۴ با همکاری فرانس کارلاندرس، ترجمه انگلیسی نیویورک، چاپ دانشگاه آکسفورد ۱۹۹۲.
- کتابی کوچک برای اکبر، دیوان انوری، با همکاری استورت کریولش، نیویورک موزه متروپولیتن ۱۹۸۴.
- ستاره و گل، جهان تصویری شعر فارسی، ویسبادن ۱۹۸۴.

